

بسم الله الرحمن الرحيم

علت انتخاب گزینه های مورد نظر بعنوان گزینه صحیح

پاسخنامه آزمون نحو عربی 3 تابستان 89

1- أَیُّ آیَةٍ لَیْسَتْ فِیْهَا إِضَافَةٌ لَفْظِیَّةٌ؟

(الف) (كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ)

(ب) (إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ)

(ج) (قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ)

(د) (سَيَصْلَى نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ)

در اضافه لفظی ، اضافه تنها جنبه ظاهری دارد و مضاف تعلق و نسبت حقیقی به مضاف الیه ندارد . ولی در اضافه معنوی نسبت و تعلق واقعی بین مضاف و مضاف الیه ملاحظه می شود. مانند گزینه "ج". در اضافه لفظی اشتغال بر نوعی معنای وصفی است. مثلا در گزینه "د" کاشفوا العذاب اضافه معنوی است زیرا کاشفوا بر معنای وصفی دلالت دارد و کاشف بر وزن فاعل است. در اضافه لفظی اضافه تنها به خاطر تخفیف است.

2- أَیُّ إِضَافَةٍ بِتَقْدِيرِ (مِنْ) ؟

(الف) نعمة الله

(ب) صوم رمضان

(ج) باب الدار

(د) حرب بدر

از انواع اضافه معنوی ، اضافه بیانیه است که میان مضاف و مضاف الیه آن حرف جر " من " در تقدیر است که بیان مراد و مقصود سخنی است که پیش از آن به اجمال آمده و منظور از آن دقیقاً روشن نیست و من پرده از معنای مورد نظر بر می دارد مانند : فاجتنبوا الرجس من الاوثان ، حرف من بیانیه است زیرا مراد از الودگیها و پلیدیها را که اجمال داشته و مراد از آن در این آیه بته است روشن می سازد. یا گزینه الف ، در اضافه بیانیه همواره مضاف الیه جنس مضاف است.

در سه گزینه ب و ج و د معنا و مقصود روشن است مثلا روشن است که منظور از روزه ، روزه در ماه رمضان است و همین درب خانه و جنگ بدر ،

3- فِیْ أَىِّ آیَةٍ لَمْ یُسْتَعْمَلْ اسْمٌ مَمْتَنِعٌ لِإِضَافَةٍ؟

(الف) (وَ یَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِینَ)

(ب) (إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ مِّنْ یَّخْشَاهَا)

(ج) (فَإِیْنَمَا تَوَلَّوْا فَوَيْلٌ لَّكُم مِّنَ اللَّهِ)

(د) (فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ)

مهم ترین اسمهای شرط ممتنع الاضافه عبارت اند از " من ، ما ، متى ، حیثما و اینما و مهم ترین اسمهای استفهام ممتنع الاضافه نیز : من ، ما ، این ، و متى .

توجه : گزینه دال " لَمَّا " یکی از اسمهای دائم الاضافه به جمله است. و اضاء ت هم جمله است.

4- فی آیِ آیِه حَذَفِ المضاف ؟

الف) (فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى)

ب) (سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَ ثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ)

ج) (وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا)

د) (ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ)

گزینه "ج" صحیح است زیرا مضاف (یعنی) امرُ حذف شده است. نکته : مضاف باید اسم باشد و جاء بعلت اینکه فعل است نمی تواند مضاف باشد .

5- فی آیِ آیِه یُوحَدُ اسمُ دائمُ الاضافه الى جمله؟

الف) (فَلَا تَهِنُوا وَ تَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَ اللَّهُ مَعَكُمْ)

ب) (كَذَلِكَ يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَ إِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ)

ج) (بِا عِبَادِي الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةً فَإِيَّايَ قَاعِبُدُونِ)

د) (فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَ تَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ)

لما دائم الاضافه به جمله است و اضاء هم جمله است.

6- عین الصحیح فی جمله «تَحْمَدُهُ عَلَى عَظِيمِ إِحْسَانِهِ»

الف) صفت به موصوف اضافه شده است.

ب) مضاف الیه حذف شده است.

ج) موصوف حذف شده است.

د) مضاف الیه به مضاف اضافه شده است.

عظیم بر وزن فعلیل صفت است و بر احسان اضافه شده و در اصل اضافه لفظی است در اصل احسان عظیم بوده است .

7- ما معنی حرف الباء الجاره فی قوله تعالى: (وَ مَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْعَرَبِ)

الف) المصاحبه

ب) السببیه

ج) الاستعانه

د)الظرفیه

حرف جر "ب" یک از معانی حرف جر " ب " ظرفیت است و تفاوتی میان به کار بردن حرف جر " ب " و حرف جر " فی " از نظر معنایی وجود ندارد و هر دو به یک معنا به کار می روند . بجانب یعنی فی جانب

8- فی آیِ آیِه استُعْمِلَتْ (مِنْ) الزائده؟

پانزده نمونه سؤالات درسی

(الف) (وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ)

(ب) (مِمَّا خَطَبْتُمْ أَغْرُقُوا)

(ج) (مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ)

(د) (فَاِتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدِهِ)

حرف جر من گاه در مقام حرف جر زائد است . این حرف هنگامی زائد است که اولاً مسبوق به نفی ، نهی ، یا استفهام باشد و ثانياً مجرور آن نکره باشد .
مانند گزینه " د "

9- فی آی جملہ حذف متعلق الجار و المجرور وجوباً ؟

(الف) (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ)

(ب) (سَبَّحَ عَلَى اللَّهِ)

(ج) (الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ)

(د) (كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ)

انواع متعلق جار و مجرور (افعال عموم و افعال خصوص) . هر گاه متعلق جار و مجرور از ریشه افعال عموم باشد و در جمله ذکر نشده باشد به آن طرف مستقر می گویند مانند سعید فی الدار و سعید تحت الشجره که متعلق جار و مجرور و طرف هر دو از افعال عموم و محذوف است مانند کائن ، ثابت ، و هر گاه متعلق از افعال خصوص باشد و در جمله حضور داشته باشد به آن طرف لغو گفته می شود. هنگامی که جار و مجرور در جمله صله به کار رفته باشد و متعلق آن از افعال خصوص نباشد متعلق آن وجوباً حذف می شود مانند وله من فی السماوات و الارض . در گزینه الف له ما فی السماوات و.....

10- عین الصحیح؟

(الف) (أَحَبُّ الْأَصْدِقَاءِ عَالِماً أَخُوهُمَا) (متابعت نکرده) (العالم)

(ب) (جاء الرجال عالمٌ أمهاتهم) (العالمه) . مفرد بودن نعت سبب العالمه به دلیل تقدم عامل العالمه بر معمول آن امهات است که فاعل آن تلقی چنان که مونث بودن آن به دلیل مونث بودن معمول آن امهات است.

(ج) (مررتُ بتلميذتين عالمتين أبوهما)

(د) (رأيتُ الطالبَ الكريمَ إخوانهم)

نعت سببی : نعت سبب همواره برای اسم پس از خود که موصوف معنایی آن به شمار می آید " عامل " است . نعت سبب همیشه مفرد است (مثنی و جمع نیست) نعت سبب همیشه مفرد است یعنی جمله و شبه جمله نیست . اگر فاعل یا نایب فاعل پس از " عامل " بیان شوند " عامل " همواره مفرد است بر همین اساس تاکید می کنیم که نعت سبب همیشه مفرد است چه فاعل و نایب فاعل مفرد باشد یا مثنی و جمع. با این تفاوت که اگر معمول مذکر باشد عامل نیز مذکر می آید و اگر معمول مونث باشد عامل نیز بر طبق قاعده مونث است مانند جاء الرجل العالم أبوه . مفرد و مذکر بودن نعت سببی العالم به دلیل معمول آن 0ابو است در جمله جاء الرجل العالمه امه مونث بودن نعت سببی العالمه به دلیل امه است.

پس به این نتیجه می رسیم که سه گزینه الف ، ب و ج نادرست است.

11- فی آی آیه يتعلّق الجار و المجرور بفعل العام؟

(الف) (الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ) (على افواههم متعلق به فعل خاص نختم است)

(ب) (إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ) (الى قومه متعلق به فعل خاص ارسلا است)

(ج) (لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ) (على اكثرهم متعلق به حق است)

(د) (قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَ الرَّسُولِ)

لله متعلق به افعال عموم کان که به آن طرف مستقر می گویند که پیش از جار و مجرور در نظر گرفته می شود و از نظر مفهومی تکمیل کننده معنای آن است .

- الف) التأكيد
ب) المدح
ج) التخصيص
د) التوضيح

تاکید یکی از توابع است . تکرار واژه یا عبارت یا کاربرد واژه ای مخصوص با هدف تثبیت امر موکد در ذهن شنونده است که می تواند لفظی یا معنوی باشد . تاکید نوعی تکرار واژه یا مفهوم به وسیله واژه ای ویژه است . تاکید لفظی تکرار واژه موکد یا واژه ای دیگر مترادف با آنکه ممکن است اسم ظاهر ضمیر فعل حرف یا حتی جمله باشد. در این آیه تاکید الهین است با اینکه میدانیم الهین یعنی دو اله ولی برای تثبیت از واژه اثنین هم استفاده شده است ومعنوی است.

13- أَيْ آيَةٍ فِيهَا نَعْتُ جَامِدٌ مُؤَوَّلٌ إِلَى الْمَشْتَقِّ؟

الف) (هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى)

ب) (وَجَاؤَ عَلَى قَمِيصِهِ يَدْمُ كَذِبٍ)

ج) (كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا يَمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ)

د) (هُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ)

اصل در نعت آن است که اسم مشتق باشد.

اسمهای جامد موول به مشتق : مصدر - " ذو " و " ذات " - موصولات خاص - اسمهای اشاره واقع پس از مشارالیه - اسمهای منسوب . در گزینه ب " کذب " مصدر است .

14- مَا هُوَ إِعْرَابُ كَلِمَةِ «عَظِيمًا» فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا)

الف) بدل مباین

ب) نعت حقیقی

ج) عطف بیان

د) نعت سببی

عطف بیان تابعی است که از متبوع خود مشهورتر است . معمولا عطف بیان را می توان بدل کل از کل نیز به شمار آورد . اگر متبوع عطف بیان نکره باشد آوردن آن با هدف تخصیص متوع صورت می گیرد مانند آیه مبارک بالا عظیم عطف بیان است برای واژه اجرا که نکره است .

عطف بیان : مشهورتر از متبوع - جامد - اسم ظاهر - معمولا می توان بدل کل از کل به شمار آورد.

یکی از تفاوت های بدل و عطف بیان : در بدل مقصود اصلی " بدل " است . ولی در عطف بیان مقصود اصلی نیست و آوردن آن پس از متبوع تنها برای توضیح و تبیین مراد آن صورت گرفته است. مثلا در این آیه منظور و مقصود اجر است.

15- مَا مَعْنَى حَرْفِ «إِلَى» فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ)

الف) انتهای غایت

ب) ظرفیت حقیقی

ج) معیت

د) ظرفیت مجازی

معنای اصلی " الی " انتهای غایت است . که یا جنبه زمانی و یا جنبه مکانی دارد . (به معنای تا) نکته : حرف جر رادو الی است. از معنای آیه می توان به این مهم پی برد. سوره قصص آیه 7

16- فِیْ أَىْ آیَةِ اسْتَعْمِلْتَ تَکْیِیدَ الْمَعْنَوِیِّ ؟

(الف) (وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ)

(ب) (هَیْهَاتَ هَیْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ)

(ج) (کَلَّا إِذَا دُکَّتِ الْأَرْضُ دَغًّا دَغًّا) (تاکید لفظی دکا)

(د) (کَلْنَا الْجَنَّتَیْنِ آتَتْ أَكْلَهَا وَ لَمْ تَظْلِمْ مِنْهُ شَیْئًا)

تاکید معنوی نوعی تکرار واژه یا مفهوم به وسیله واژه ای ویژه است که مهم ترین آنها عبارت اند از : نفس – عین ، کل ، جمیع ، عامه ، اجمع ، کلا و کلنا .
نکته : واژه کلا و کلنا تنها برای اسمها و ضمایر مثنی تاکید معنوی به شمار می روند و هر گز نمی توانند اسمها و ضمایر مفرد و جمع را تاکید کنند. در گزینه الف با اینکه واژه اسماء خودش جمع است و همه اسمهای نشان می دهد اما کلاها برای تاکید اسما آمده است و واژه های تاکید پس از اسم مورد نظر قرار میگیرند.

17- أَىْ جُمْلَةٍ لَمْ یَسْتَعْمَلْ فِیْهَا عَطْفَ بَیَانٍ؟

(الف) (يٰۤاَيُّهَا الرُّسُلُ قُلْنَا بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ) کل از کل

(ب) (جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ) بیت عطف بیان کعبه است که با صفتش حرام مجموعا از کعبه مشهورتر است.

(ج) (يَسْتَأْذِنُكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ)

(د) (وَ يَقُولُونَ مَتَى هَٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ) کنتم صادقین پس از حرف تفسیر آن قرار گرفته است و عطف بیان می باشد.

گفتیم که عطف بیان : مشهورتر از متبوع خود – جامد – اسم ظاهر – معمولا میتوان بدل کل از کل نامید .

18- فِیْ أَىْ آیَةٍ اسْتُعْمِلَتْ جُمْلَةٌ لَهَا مَحَلٌّ إِعْرَابِیٌّ؟

(الف) (إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِیْ خُسْرٍ)

(ب) (لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَ أَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ)

(ج) (لَوْ أَنزَلْنَا هَٰذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ)

(د) (هَٰذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ)

جملات دارای محل اعرابی :
جمله خبریه
حلیه
مفعولیه
اضافیه
جمله جواب شرط
وصفیه

لا تنطقون جمله خبریه و محلا منصوب است . اعراب محلی است.

19- مَا هُوَ إِعْرَابُ کَلِمَةِ «مَنْ» فِی قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتِطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا)

(الف) بدل کل از کل

(ب) مبتدای وصفی

(ج) بدل جزء از کل

(د) عطف بیان

بدل جز از کل تابعی است که جزء یا قسمتی از مبدل منه تلقی می شود مانند آیه بالا. واژه ناس مبدل منه و واژه " من " بدل است " من " اسم موصول است و مفهوم آن با توجه به جمله صله روشن می شود به این معنا که مفهوم آیه این نیست که حج خانه خدا بر همه مردم واجب است بلکه حج تنها بر کسانی که استطاعت مالی دارند واجب است. **بنابراین "مَن" جزیی از ناس است .**

20- فی آیِ استُخْدِمَ النَّعْتُ، شبهَ الْجُمْلَةِ؟

الف) (يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وَلِدَانٌ مُّخَلَّدُونَ يَأْكُوبِ وَ أَبَارِيقَ وَ كَأْسٍ مِنْ مَعِينِ) **(شبه جمله)**

ب) (أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا) **نعت جمله**

ج) (قَالَ رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ) **نعت مفرد**

د) (فُرْأَنَّا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ) **حامد موصول به مشتق (ذی)**

حالت‌های ظهور نعت : نعت مفرد – جمله – شبه جمله